



حیات طیبه در قرآن

احمد داوری

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

نویسنده در این مقاله سعی کرده است به بررسی مفهوم حیات طیبه در قرآن، با کمک آیات قرآن بپردازد، وی در این زمینه آیه ۹۷ سوره نحل یعنی آیه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» را محور قرار داده و با بررسی معنای حیات و طیبه و با ذکر موارد کاربرد آنها در قرآن؛ همچنین با شمردن نتایج ایمان و عمل صالح که در بسیاری از آیات در کنار هم ذکر شده اند؛ نتیجه می‌گیرد که خداوند به هر فرد مومنی که عمل صالح انجام دهد نوعی حیات واقعی می‌بخشد، این حیات که در قرآن از آن به «حیات طیبه» تعبیر شده است «محو شدن در ذات باری تعالی» است و به هریک از مؤمنان به تناسب عمل صالحی که انجام می‌دهند مرتبه‌ای از آن را عطا می‌فرماید.

واژگان کلیدی: قرآن، ایمان، عمل صالح، حیات، طیبه.

مقدمه

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْشِيَ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ^۱

امروزه مطالعه و پژوهش در بخش معارف قرآنی از اهمیتی فراوان برخوردار است و آنچه که در این راستا بر اهمیت مطلب می‌افزاید آن است که معارف قرآن از خود قرآن بررسی شود؛ به دیگر سخن با کمک آیات قرآن، نظر خود قرآن درباره مطلبی خاص مورد کنکاش قرار گیرد و نوعی تفسیر قرآن به قرآن در مورد مطلبی خاص ارائه گردد، یعنی همان کاری که برخی مفسران از آغاز حیات اسلام به آن روی آورده‌اند^۲ ولی اعمال و تبیین روش «تفسیر قرآن به قرآن» در عصر حاضر به صورتی نوین متداول گشته است^۳ که نمونه کامل و بارز آن را می‌توان تفسیر المیزان علامه طباطبایی دانست.

آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است، بررسی قرآنی «حیات طیبه» می‌باشد؛ یعنی تبیین و آشکار نمودن معنای «حیات طیبه» با کمک گرفتن از خود قرآن کریم که در بیشتر موارد برای توضیح مقصود بیش از هر چیز از آیات قرآن استفاده شده است و البته در این راستا روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام، لغت و ادبیات عرب، قراین عقلی، داده‌های علمی و هرچیزی که امکان کمک گرفتن از آن بوده است (به فراخور دانش و آگاهی خود)، نادیده گرفته نشده است.

باید این نکته را خاطر نشان کرد که نیازهای انسان دوگونه است: نیازهایی که در طول تاریخ هیچ نوع تغییری نداشته‌اند و دسته دیگر نیازهایی هستند که به تناسب مکان و زمانی که در آن قرار می‌گیرند، ایجاد می‌شوند و بی‌شک در محیط‌های گوناگون متفاوت است، برای پاسخگویی به نیازهای دسته اول آیات قرآن خود بهترین مبین هستند و نیاز به فعالیت خاص علمی برای پاسخیابی به آنها نیست و از ظواهر قرآن می‌توان بسیاری از این نیازها را پاسخ داد. به عنوان نمونه حس فطری نیاز به پرستش که در طول تاریخ برای انسان مطرح بوده است؛ در قرآن بارها و بارها به آن اشاره شده است.

۱- نحل: ۹۷.

۲- ر.ک. رجبی، محمود، روش‌شناسی تفسیر قرآن، صص ۲۶۳-۲۶۷.

۳- عمید زنجانی، عباسعلی، میانی و روشهای تفسیر قرآن، ص ۳۶۱.

بررسی نیازهای متغیر و تطبیق محیط‌های گوناگون با آیات قرآن، در مرحله اول محتاج به تبیین و تشریح صحیح آیات قرآن و اعمال این مطالب بر زندگی روزمره، در مرحله بعدی است (البته با توجه به شرایط خاص این اعمال یا تطبیق که در جای خود باید بحث شود).

با توجه به آنچه ذکر شد، این نوشتار فقط پاسخ به نیازهای دسته اول را بر عهده دارد و راه را برای بررسی نیازهای دسته دوم باز کرده است؛ چراکه مساله را به صورت علمی مورد کنکاش قرار داده است و «تطبیق» را به مجال دیگری واگذار کرده است که خود نیازمند نوشتن مقاله و چه بسا کتبی دیگر است.

قرآن به منظور هدایت همگان تنزل یافته است، همه انسان‌هایی که در پهنه زمین و گستره زمان به سر می‌برند، از نور رهنمود آن برخوردار خواهند شد و در فهم معارف قرآن، نه فرهنگ خاصی معتبر است که بدون آن، نیل به اسرار قرآن میسر نباشد و نه تمدن مخصوصی مانع است که با وجود آن، بهره‌مندی از الطاف میسر نگردد، نه عربیت شرط راهیابی به حقایق قرآن است و نه عجمیت مانع رسیدن به ذخایر معرفتی آن، قرآن نذیر عالمین و هادی همه انسان‌هاست، از این رو زبان آن نیز آشنای فطرت همگان است.^۴

از آنجایی که انتقال مفاهیم بدون استفاده از الفاظ میسر نیست، لذا لازم است به طور مختصر به بررسی واژگانی که اهمیتی ویژه برای تحقیق دارند بپردازیم تا فرایند انتقال پیام ناکام نماند و منظور اصلی نویسنده به طور کامل به مخاطب منتقل گردد.

۱. قرآن

قرآن کتابی است نازل شده به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم^۵ که به آن فرقان^۶، ذکر^۷، تنزیل^۸ و کتاب^۹ نیز گفته می‌شود؛ مجموع کلمات و آیات نازل شده بر پیامبر اسلام است که پیش از هجرت و پس از آن در مناسبت‌های مختلف و پیشامدهای گوناگون به طور پراکنده نازل شده است، سپس گردآوری شده و به صورت مجموعه کتاب درآمده

۴- جوادی آملی، عبدالله، قرآن در قرآن، ص ۳۵۳.

۵- کتاب انزلناه الیک؛ ابراهیم: ۱. و اوحی الی هذا القرآن؛ انعام: ۱۹.

۶- تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده؛ فرقان: ۱.

۷- انا نحن نزلنا الذکر؛ حجر: ۹. و انزلنا الیک الذکر؛ نحل: ۴۴.

۸- و انه لتنزیل رب العالمین؛ شعراء: ۱۹۲.

۹- و اذکر فی الکتاب...؛ مریم: ۵۶، ۴۱، ۱۶.

است^{۱۰} و این کلمات و عبارات از هر جهت اعجاز آمیز بوده و بیانی است که از طریق وحی نازل گردیده و در مصاحف و دفاتر گردآمده و به تواتر به ما رسیده و قرآن موجود همان کلام الهی است که مردم مأمور به قرائت و عمل به مضامین آن می‌باشند و هیچ گونه دستبرد و تحریف و زیادت و کاستی در آن راه نیافته است^{۱۱}. کتابی است که بیانی برای مردم و رهنمود و اندرزی برای پرهیزکاران^{۱۲}، بینش‌بخش و رحمت برای قومی که یقین دارند^{۱۳}، حقیقتی یقینی^{۱۴} که در حقانیت آن هیچ تردیدی نیست^{۱۵} و هیچ باطلی در آن راه ندارد^{۱۶} و به آیینی راهبری می‌کند که پایدارتر است^{۱۷} و اگر همه موجودات گرد هم آیند تا نظیرش را بیاورند مانند آن را نخواهند آورد^{۱۸} و ما می‌خواهیم بدانیم مجموعه‌ای با این توصیفات در مورد «حیات طیبه» چه نظری دارد.

۲. حیات

حیات یکی از مخلوقات خداوند^{۱۹} که دارای دو معنی است: یکی «حیات» در برابر مرگ و دیگری «حیاء» نقطه مقابل وقاحت و بی‌شرمی ولی بعضی از محققان هر دو را به یک ریشه بازگردانده‌اند و گفته‌اند حیاء و استحياء نیز نوعی طلب حیات و سلامت است در

۱۰- معرفت، محمدهادی، تاریخ قرآن، ص ۳۱.

۱۱- حجتی، محمدباقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۲۷.

۱۲- هذا بيان للناس و هدى و موعظه للمتقين؛ آل عمران: ۱۳۸.

۱۳- هذا بصائر للناس و هدى و رحمه لقوم يوقنون؛ جاثیه: ۲۰.

۱۴- و انه لحق اليقين؛ حاقه: ۵۱.

۱۵- ذلك الكتاب لا ريب فيه؛ بقره: ۲.

۱۶- لا يأتيه الباطل من بين يديه و لا من خلفه؛ فصلت: ۴۲.

۱۷- ان هذا القرآن يهدى للتي هي اقوم؛ اسراء: ۹.

۱۸- لئن اجتمعت الانس و الجن أن يأتيوا بمثل هذا القرآن لا يأتون بمثله و لو كان بعضهم لبعض ظهيرا؛ اسراء: ۸۸.

۱۹- الذي خلق الموت و الحياه؛ ملك: ۲.

برابر وقاحت و بی‌شرمی که نوعی از دست دادن زندگی و سلامت محسوب می‌شود.^{۲۰}
حیات در قرآن کریم در چندین معنی متفاوت به کار رفته‌است:^{۲۱}

۱-۲- زندگی نباتی گیاهان و حیوانات

- أَنْ اللَّهُ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا^{۲۲}

- وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلَدَهُ مَيِّتًا^{۲۳}

- وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا^{۲۴}

- وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا^{۲۵}

- وَيَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا^{۲۶}

۲-۲- زندگی حیوانی

- رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى^{۲۷}

- إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتَى^{۲۸}

- إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ^{۲۹}

- قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا^{۳۰}

۳-۲- حیات فکری و عقلانی: أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ^{۳۱}

۲۰- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، پیام قرآن، ج ۴، ص ۲۰۰.

۲۱- همو، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۲۷ و ۱۲۸ و راغب اصفهانی، حسین بن محمد (قرن ۴ق)، مفردات الفاظ القرآن،

ص ۲۶۸ و ۲۶۹.

۲۲- حدید: ۱۷.

۲۳- ق: ۱۱.

۲۴- انبیاء: ۳۰.

۲۵- روم: ۱۹.

۲۶- روم: ۲۴.

۲۷- بقره: ۲۶۰.

۲۸- فصلت: ۳۹.

۲۹- بقره: ۲۵۸.

۳۰- بقره: ۲۵۹.

۳۱- انعام: ۱۲۲.

۲-۴- زندگی جاویدان در جهان دیگر

- يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ مَاتَ لِحَيَاتِكُمْ

- وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ^{۳۳}

۲-۵- نجات از مرگ: وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا^{۳۴}

۲-۶- حیات واقعی که فقط در مورد ذات باریتعالی به کار می‌رود:

- اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ^{۳۵}

- وَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ^{۳۶}

- وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ^{۳۷}

- هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ^{۳۸}

همانطور که در تقسیم‌بندی فوق مشاهده می‌شود حیات معنی گسترده‌ای دارد که از همه بالاتر در مورد خداوند به کار می‌رود؛ زیرا حیات حقیقی و ازلی و ابدی و ثابت و پایدار که هیچ‌گونه مرگ و حیاتی در آن نیست فقط حیات خداوند است. حیات در مورد خداوند با آنچه در مورد انسان و حیوان گفته می‌شود متفاوت است، حیات او حیات حقیقی است؛ زیرا عین ذات اوست، نه عارضی است و نه موقت. حیات در او به معنای علم و قدرت است؛ چراکه نشانه اصلی حیات این دو است. او نه تنها قائم به ذات خویش است که قیام موجودات دیگر و ربوبیت و تدبیر آنها در تمام امور به اوست، کوتاه سخن اینکه حیات او هیچ شباهتی به حیات سایر موجودات زنده ندارد، حیات او «ذاتی»، «ازلی»، «ابدی»، «تغییر ناپذیر» و «خالی از هرگونه نقص و محدودیت» است، حیات او بیانگر احاطه علمی او به هرچیز و توانایی او به هر کار است.^{۳۹}

۳۲ - فجر: ۲۴.

۳۳ - عنکبوت: ۶۴.

۳۴ - مائده: ۳۲.

۳۵ - بقره: ۲۵۵- آل عمران: ۲.

۳۶ - طه: ۱۱۱.

۳۷ - فرقان: ۵۸.

۳۸ - غافر: ۶۵.

۳۹ - مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، پیام قرآن، ج ۴، ص ۲۰۲.

تقسیم بندی دیگری نیز از حیات به اعتبار دنیا و آخرت صورت می‌گیرد^{۴۱} که قسم اول «حیات دنیوی» و قسم دوم «حیات اخروی» نام می‌گیرد و در برخی از آیات از این نوع تقسیم بندی استفاده شده است:

- فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا^{۴۱}

- أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ^{۴۲}

- وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ^{۴۳}

- إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا^{۴۴}

بررسی معنای حیات را با تذکر نکات زیر به پایان می‌بریم:

۱. هدف خلقت «حیات» در آیات قرآن کریم، آزمایش انسان معرفی شده است:

«الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»^{۴۵}.

۲. مسأله حیات و زندگی موجودات زنده اعم از گیاهی و حیوانی، از پیچیده‌ترین مسائلی است که هنوز علم و دانش بشر نتوانسته است پرده از روی اسرار آن بردارد و به مخفیگاه آن گام بگذارد که چگونه عناصر طبیعی و مواد آلی با یک جهش عظیم تبدیل به یک موجود زنده می‌شود. ممکن است یک روز بشر بتواند با استفاده از ترکیبات مختلف طبیعی در شرایط بسیار پیچیده‌ای موجود زنده‌ای به صورت مونتاژکردن اجزای یک ماشین که از پیش ساخته شده است، بسازد ولی نه عجز و ناتوانی امروز بشر و نه توانایی احتمالی او در آینده بر این کار، هیچیک نمی‌تواند از اهمیت موضوع حیات و حکایت نظام پیچیده آن از یک مبدأ عالم و قادر بکاهد^{۴۶}.

۳. مسأله حیات به اندازه‌ای با اهمیت است که انبیای بزرگی چون حضرت موسی

و ابراهیم علیهما السلام در برابر فرعون و نمرود به آن استدلال کرده‌اند:

۴۰ - راغب اصفهانی، حسین بن محمد (قرن ۴ق)، مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۹۹.

۴۱ - نازعات: ۳۸ و ۳۷.

۴۲ - بقره: ۸۶.

۴۳ - رعد: ۲۶.

۴۴ - یونس: ۷.

۴۵ - ملک: ۲.

۴۶ - مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۵۶، و نیز ج ۱۸، ص ۳۷۲، ج ۱، ص ۱۶۰.

- أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّي
الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ^{٤٧}

- الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَوَّلَ لَكُم فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً
فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَشْجَارًا مِّنْ تَبَاتٍ شَتَّى^{٤٨}

در آیات فوق مورد اول مربوط به استدلال حضرت ابراهیم علیه السلام در برابر
نمرود است و آیه دوم مربوط به حضرت موسی علیه السلام است که در این آیه اگرچه واژه
«حیات» در آن به کار نرفته است ولی اشاره به آفرینش انواع رستنی‌ها از دل خاک به کمک
باران دارد. آیه زیر را نیز در زمره این آیات می‌توان قرار داد که در آن به توحید استدلال شده
و خطاب به مسلمانان است: كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أََمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ
يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ^{٤٩}

٣. طيبه

طيبه به معنی پاک، حلال و امثال آن است^{٥٠} و از آنجایی که در قرآن به همراه
«حلال» آمده است (يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا)^{٥١}، آن را به پاکیزه تفسیر
کرده‌اند و گفته‌اند: «طيب» به چیزهای پاکیزه گفته می‌شود که موافق طبع سالم انسانی است،
نقطه مقابل خبیث که طبع آدمی از آن تنفر دارد^{٥٢} و نیز آورده‌اند که کلمه «طيب» در مقابل
کلمه «خبیث» معنای ملایمت با نفس و طبع هرچیزی را می‌دهد، مثل «کلمه طيب» که به
معنای آن سخنی است که گوش از شنیدنش خوش آید و «عطر طيب» که به معنای آن

٤٧ - بقره: ٢٥٨.

٤٨ - طه: ٥٣.

٤٩ - بقره: ٢٨.

٥٠ - راغب اصفهانی، حسین بن محمد (قرن ٤ق)، مفردات الفاظ القرآن، ص ٥٢٧. و طبرسی، فضل بن حسن

(٩٤٦٨-٥٤٨ق)، مجمع البیان، ج ١، ص ٥٠٣.

٥١ - بقره: ١٦٨.

٥٢ - مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ١، ص ٥٦٩.

عطری است که شامه آدمی از بوی آن خوشش آید و «مکان طیب» یعنی آن محلی که با حال کسی که می‌خواهد در آن محل جا بگیرد سازگار باشد.^{۵۳}

در آیات زیر به تضاد و تقابل «حبیث» با «طیب» اشاره شده است:

- قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ^{۵۴}

- لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ^{۵۵}

- وَلَا تَتَّبِعُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ^{۵۶}

در قرآن کریم «الطیب» و «الطیبه» برای توصیف موارد زیر به کار رفته‌اند:

۱. مسکن؛ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ^{۵۷}

۲. خاک؛ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ^{۵۸}

۳. خوردنی‌ها؛ يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا^{۵۹}

۴. شهر؛ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةً طَيِّبَةً وَرَبُّ غَفُورٌ^{۶۰} (به شهر مدینه

النبی نیز در برخی از روایات اطلاق «طیبه» شده است^{۶۱}).

۵. باد؛ هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَيْنَ بِهِمْ

بَرِيحٍ طَيِّبَةٍ^{۶۲}

۶. غنیمت؛ فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا^{۶۳}

۵۳ - طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶۳۱.

۵۴ - مائده: ۱۰۰.

۵۵ - انفال: ۳۷.

۵۶ - نساء: ۲.

۵۷ - توبه: ۷۲ و صف: ۱۲.

۵۸ - نساء: ۴۳ و مائده: ۶.

۵۹ - بقره: ۱۶۸.

۶۰ - سبأ: ۱۵.

۶۱ - انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۲۱۴-۱۲۸۱ق)؛ الرسائل، ج ۴، ص ۶۰.

۶۲ - یونس: ۲۲.

۶۳ - انفال: ۶۹.

۷. سخن و کلام؛ إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ^{۶۴}
۸. درخت و شجره؛ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ^{۶۵}
۹. ذریه و فرزندان؛ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً^{۶۶}
۱۰. زنان و مردان؛ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ^{۶۷}
۱۱. تحیت پروردگار؛ فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ^{۶۸}
۱۲. حیات و زندگی؛ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّاهُ حَيَاةً طَيِّبَةً^{۶۹}
- هر یک از این موارد با معنای لغوی «طیب» سازگار است.

۴. حیات طیبه

در بررسی واژه حیات متوجه شدیم که حیات هم در مورد دنیا اطلاق می‌شود و هم در مورد آخرت (الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ^{۷۰} و ...) و واژه طیب نیز هم در موارد دنیوی به کار رفته است (فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ^{۷۱} و ...) و هم در موارد مربوط به آخرت (وَمَسَاكِينٍ طَيِّبَةٍ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ^{۷۲} و ...) پس در اطلاق

۶۴ - فاطر: ۱۰.

۶۵ - ابراهیم: ۲۴.

۶۶ - آل عمران: ۳۸.

۶۷ - نور: ۲۶.

۶۸ - نور: ۶۱.

۶۹ - نحل: ۹۷.

۷۰ - ابراهیم: ۳.

۷۱ - نساء: ۴۳.

۷۲ - توبه: ۷۲.

جداگانه واژه‌های «طیب» و «حیات» هیچ نوع محدودیتی نسبت به مسائل دنیوی و اخروی وجود ندارد.

اگر بار دیگر به آیه ۹۷ سوره نحل نظری بیفکنیم متوجه خواهیم شد که شرایط رسیدن به حیات طیبه دو چیز است:

۱. انجام عمل صالح

۲. با ایمان بودن

لذا در اینجا به بررسی سایر مواردی می‌پردازیم که در قرآن کریم ایمان و عمل صالح توأمان ذکر شده‌اند تا طبق وعده‌ای که داده‌ایم از قرآن، مفاهیم مورد نظر را استخراج کنیم.

به مومنانی که عمل صالح انجام دهند وعده‌های زیر داده شده‌است:

۱. بهشت

- وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ^{۷۳}

- إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ^{۷۴}

۲. اجر و پاداش

- وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ^{۷۵}

- إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَىٰ وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ^{۷۶}

۳. استجاب دعا: وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ^{۷۷}

۷۳ - عنکبوت: ۵۸.

۷۴ - لقمان: ۸.

۷۵ - کهف: ۸۸.

۷۶ - بقره: ۶۲.

۷۷ - شوری: ۲۶.

۴. مغفرت پروردگار: لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ
وَرِزْقٌ كَرِيمٌ^{۷۸}
۵. پوشاندن سیئات:
- وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ
الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ^{۷۹}
- وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكْفِرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ^{۸۰}
۶. داخل شدن در جمع صالحان: "وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ
فِي الصَّالِحِينَ"^{۸۱}
۷. هدایت پروردگار: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيَهُمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ^{۸۲}
۸. درجات والا: وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ
الْعُلَى^{۸۳}
۹. حرکت از ظلمت به سمت نور: رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ
الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ^{۸۴}
۱۰. رحمت پروردگار: فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي
رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ^{۸۵}
۱۱. عاقبت نیکو: الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحَسُنَ مَا أَجَبَ^{۸۶}

۷۸ - سبا: ۴

۷۹ - عنكبوت: ۷

۸۰ - تغابن: ۹

۸۱ - عنكبوت: ۹

۸۲ - یونس: ۹

۸۳ - طه: ۷۵

۸۴ - طلاق: ۱۱

۸۵ - جاثیه: ۳۰

۸۶ - رعد: ۲۹

۱۲. جانشین روی زمین: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا^{۸۷}

۱۳. قرار دادن محبت در دلها: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا^{۸۸}

ذکر این نکته نیز لازم است که در قرآن در برخی موارد به توصیف افراد مؤمن پرداخته که اعمال صالح انجام می‌دهند، در جایی آنها «اصحاب بهشت» معرفی شده‌اند (وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ)^{۸۹} و گاهی از جمله «رستگاران» (فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ)^{۹۰} و در جایی دیگر «بهترین آفریدگان» (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ)^{۹۱} معرفی شده‌اند.

آیه (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً)^{۹۲} از لحاظ مفهوم با آیه ۲۴ سوره انفال مشابهت‌هایی دارد که در یافتن مفهوم حیات طیبه کمک خواهد کرد، آیه مزبور چنین است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»

آیه فوق با صراحت می‌گوید که دعوت اسلام، دعوت به سوی حیات و زندگی است؛ حیات معنوی، حیات مادی، حیات فرهنگی، حیات اقتصادی، حیات سیاسی به معنای واقعی، حیات اخلاقی و اجتماعی و بالاخره حیات و زندگی در تمام زمینه‌ها. این تعبیر کوتاهترین و جامعترین، تعبیری است که درباره اسلام و آیین حق آمده، اگر کسی بپرسد اسلام هدفش چیست؟ و چه چیز می‌تواند به ما بدهد؟ در یک جمله کوتاه می‌گوییم هدفش حیات در تمام زمینه‌هاست و این را به ما می‌بخشد^{۹۳}؛ جالب اینجاست که در قرآن میان

۸۷ - نور: ۵۵.

۸۸ - مریم: ۹۶.

۸۹ - بقره: ۸۲.

۹۰ - قصص: ۶۷.

۹۱ - بینه: ۷.

۹۲ - نحل: ۹۷.

۹۳ - مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۲۷.

دعوت به سوی پروردگار و عمل صالح رابطه برقرار شده است آنجا که می فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ»^{۹۴}.

مفسران در باره معانی حیات طیبه نظرات مختلفی ارائه کرده اند:

۱- قناعت: جاء في تفسير قوله تعالى: «فَلَنُحْيِيَنَّهَا حَيَاةً طَيِّبَةً» قال نعطيها القناعة^{۹۵}.

۲- سعادت: ... قال الآخرون: الحياة الطيبة السعادة^{۹۶}.

۳- رزق حلال: عن ابن عباس في قوله «[مَنْ] عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهَا حَيَاةً طَيِّبَةً» قال الرزق الطيب^{۹۷}.

۴- بهشت: و ثالثها: انها الجنة، عن قتادة، ومجاهد، وابن زيد. قال الحسن: لا

يطيب لأحد حياة إلا في الجنة. وقال ابن زيد: ألا ترى ... (يَا كَيْنِي قَدَمْتُ لِحَيَاتِي)^{۹۸} ^{۹۹}.

۵- رزق روزانه: رابعها: إنها رزق يوم بيوم^{۱۰۰}

۹۴ - فصلت: ۳۳.

۹۵ - ديلمی، حسن بن محمد (قرن ۸ق)، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۱۸ و ر.ک. طوسی، محمد بن حسن (۳۸۵-۴۶۰ق) ، الامالی، ص ۲۷۵؛ قمی، علی بن ابراهیم (قرن ۳ق)؛ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۸۹؛ نهج البلاغه، حکمت ۲۲۹؛ مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۰۳۷-۱۱۱۱ق)، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۴۵؛ ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۵۸۶-۶۵۵ق)، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۱۵۹ و ج ۱۱، ص ۱۹۸ و ج ۱۹، ص ۵۵ و نیز فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۰۰۶-۱۰۹۱ق)، تفسیر الأصفی، ج ۱، ص ۶۶۲؛ ورام، مسعود بن ابی فراس بن حمدان (م ۶۰۵ق)، نزهة الناظر، ج ۲، ص ۱۷۰؛ قرطبی، محمد بن احمد (م ۶۷۱ق)، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۰، ص ۱۷۴؛ طبری، محمد بن جریر (۲۲۴-۳۱۰ق)، جامع البیان، ج ۱۴، ص ۲۲۴، همچنین ر.ک. طبرسی، فضل بن حسن (۴۶۸-۵۴۸ق)، مجمع البیان، ج ۶، ص ۲۲۷.

۹۶ - طبری، محمد بن جریر (۲۲۴-۳۱۰ق)، جامع البیان، ج ۱۴، ص ۲۲۴ و ر.ک. قرطبی محمد بن احمد (م ۶۷۱ق)، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۰، ص ۱۷۴.

۹۷ - سفیان بن سعید (م ۱۶۱ق)، تفسیر سفیان الثوری، ص ۱۶۶ و ر.ک. طبری، محمد بن جریر (۲۲۴-۳۱۰ق)، جامع البیان، ج ۱۴، ص ۲۲۴؛ قرطبی محمد بن احمد (م ۶۷۱ق)، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۰، ص ۱۷۴؛ طبرسی، فضل بن حسن (۴۶۸-۵۴۸ق)، مجمع البیان، ج ۶، ص ۲۲۷.

۹۸ - فجر: ۲۴

۹۹ - طبرسی، فضل بن حسن (۴۶۸-۵۴۸ق)، مجمع البیان، ج ۶، ص ۲۲۷ و ر.ک. قرطبی محمد بن احمد (م ۶۷۱ق)، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۰، ص ۱۷۴؛ طبری، محمد بن جریر (۲۲۴-۳۱۰ق)، جامع البیان، ج ۱۴، ص ۲۲۴.

۱۰۰ - طبرسی، فضل بن حسن (۴۶۸-۵۴۸ق)، مجمع البیان، ج ۶، ص ۲۲۷

۶- حیات طیب در قبر: خامسها : إنها حياة طيبة في القبر^{۱۰۱}

۷- توفیق به اطاعت پروردگار: الثالث - توفيقه إلى الطاعات فإنها تؤديه إلى رضوان

الله^{۱۰۲}

۹- شیرینی اطاعت پروردگار: وقال أبو بكر الوراق : هي حلاوة الطاعة^{۱۰۳}

۱۰- شناخت پروردگار: قال جعفر الصادق [عليه السلام]: هي المعرفة بالله^{۱۰۴}

۱۱- استغناء از خلق و نیاز به پروردگار: قيل : الاستغناء عن الخلق والافتقار إلى

الحق^{۱۰۵}.

آنها که آیه فوق را تنها به «جهاد» یا «ایمان» یا «قرآن» یا «بهشت» تفسیر کرده‌اند و این امور را به عنوان تنها عامل حیات در آیه فوق معرفی کرده‌اند؛ در حقیقت مفهوم آیه را محدود ساخته‌اند؛ زیرا مفهوم آیه همه اینها را در بر می‌گیرد و بالاتر از آنها هر فکر، هر برنامه و هر دستوری که شکلی از اشکال حیات انسانی را بیافریند، در آیه فوق مندرج است^{۱۰۶}.

با توجه به نتایجی که از انجام عمل صالح نصیب مومنان می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که حیات طیبیه می‌تواند هر یک از موارد زیر باشد (اگر چه نظر قطعی نمی‌توان در این زمینه داد): بهشت، پاداش، استجاب دعا، مغفرت پروردگار، پوشاندن سیئات، داخل شدن در جمع صالحان، هدایت، درجات والا، حرکت از ظلمت به نور، رحمت پروردگار، عدم خوف، عاقبت نیکو، جانشینی در روی زمین و قرار دادن محبت در دلها.

پس مفهوم حیات طیبیه آنچنان وسیع و گسترده است که همه اینها و غیر اینها را در برمی‌گیرد. زندگی پاکیزه از هر نظر، پاکیزه از آلودگی‌ها، ظلم‌ها و خیانت‌ها، عداوت‌ها و

۱۰۱ - پیشین.

۱۰۲ - قرطبی محمد بن احمد (م ۶۷۱ق)، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۰، ص ۱۷۴.

۱۰۳ - پیشین.

۱۰۴ - قرطبی محمد بن احمد (م ۶۷۱ق)، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۰، ص ۱۷۴.

۱۰۵ - پیشین.

۱۰۶ - مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۲۸.

دشمنی‌ها، اسارت‌ها و ذلت‌ها و انواع نگرانی‌ها و هرگونه چیزی که آب زلال زندگی را در کام انسان ناگوار می‌سازد^{۱۰۷}.

ایمان که یک نوع درک و دید باطنی است، یک نوع علم و آگاهی توأم با عقیده قلبی و جنبش و حرکت است، یک نوع باور است که در اعماق جان انسان نفوذ می‌کند و سرچشمه فعالیت‌های سازنده می‌شود،^{۱۰۸} اگر توأم با عمل صالح شود «حیات طیبه» را به بار می‌نشانند. یعنی تحقق جامعه‌ای‌ترین با آرامش، امنیت، رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعادل و مفاهیم سازنده انسانی خواهد بود و از نابسامانی‌ها و درد و رنج‌هایی که بر اثر استکبار و ظلم و طغیان و هواپرستی و انحصار طلبی به وجود می‌آید و آسمان زندگی را تیره و تار می‌سازد در امان است^{۱۰۹}.

در اینجا سوالی مطرح می‌شود و آن این است که زندگانی معصومین علیهم‌السلام سرشار از ایمان و عمل صالح بوده است، با این حال آن بزرگواران در زندگی دنیوی تحت شدیدترین شکنجه‌ها بوده‌اند، این مساله با مفهوم حیات طیبه چگونه سازگار است؟

این سوال بیان می‌کند که نظر افرادی که با توجه به ادامه آیه که در آن سخن از جزای احسن الهی به میان آمده است (وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ^{۱۱۰}) استفاده کرده‌اند که حیات طیبه مربوط به دنیاست و جزای احسن مربوط به آخرت^{۱۱۱}، درست نخواهد بود و یا حداقل کافی نخواهد بود؛ پس حیات طیبه می‌تواند هم حیات اخروی باشد و هم حیات دنیوی و ظهور و بروز مرتبه‌ای از آن برای مومنی که عمل صالح انجام می‌دهد واقعیتی است غیر قابل انکار، و این تفسیری است که علامه طباطبایی در تفسیر «حیات» آورده است، وی در این زمینه می‌نویسد: «حیات» به معنای جان انداختن در چیز و افاضه حیات به آن است، پس این جمله با صراحت لفظش دلالت دارد بر اینکه خدای تعالی مومنی که عمل صالح کند به حیات جدیدی غیر از آن حیاتی که به دیگران نیز داده، زنده می‌کند و مقصود این نیست که حیاتش تغییر می‌کند؛ مثلاً حیات خبیث او را مبدل به حیات طبیعی می‌کند که اصل حیات حیات عمومی باشد و صفتش را تغییر دهد؛ زیرا اگر مقصود این

۱۰۷ - پیشین، ج ۱۱، ص ۳۹۴.

۱۰۸ - پیشین، ج ۱۸، ص ۲۳۲.

۱۰۹ - مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۹۰-۳۸۹.

۱۱۰ - نحل: ۹۷.

۱۱۱ - مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۹۴.

بود کافی بود بفرماید: «ما حیات او را طیب می‌کنیم»، ولی اینطور نفرمود؛ بلکه فرمود: «ما او را به حیاتی طیب زنده می‌سازیم»^{۱۱۲}.

علامه در جای دیگر نوشته است: [حیات طیبه] حیاتی است واقعی و جدید که خداوند آن را به کسانی که سزاوارند اضافه می‌فرماید و این حیات جدید و اختصاصی جدای از زندگی سابق که همه در آن مشترکند نیست؛ در عین اینکه غیر آن است، همان است، تنها اختلاف به مراتب است نه به عدد، پس کسی که دارای آنچه‌ان زندگی است دو جور زندگی ندارد؛ بلکه زندگی‌اش قوی‌تر و روشن‌تر و واجد آثار بیشتر است^{۱۱۳}.

بررسی معنای لغوی «حیات» و «طیبه» و موارد کاربرد آن در قرآن که قبلاً به آنها اشاره شد به ما در این مرحله کمک نموده و ما را به نتایج زیر رهنمون خواهد کرد:

۱. منظور از «حیات» در «حیات طیبه» زندگی نباتی و حیوانی و نجات از مرگ، به طور قطع نیست.

۲. «حیات» می‌تواند حیات فکری و عقلانی یا زندگی جاویدان در سرای دیگر باشد ولی محدود به این نوع از حیات نیست. در برخی از روایات به این نوع از زندگی اشاره شده است، به عنوان نمونه از جمله مستحبات روز عرفه خواندن دعای زیر است که در آن اشاره به حیات طیبه در جهان آخرت شده است: اللهم اجعلنی ممن رضیت عمله و اطلت عمره و احیته بعد الموت حیاه طیبه^{۱۱۴}. (هرچند آنچه در این روایت ذکر شده است با معنای سوم حیات نیز مطابقت دارد که در مورد سوم آن معنا را مورد کنکاش قرار می‌دهیم).

۳. مرتبه والایی از حیات می‌تواند مورد نظر باشد و آن حیات واقعی است که فقط در مورد ذات باریتعالی به کار می‌رود «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ»^{۱۱۵}. اگر این معنا در مورد انسان تحقق یابد «محو شدن کامل در ذات باریتعالی» را معنا می‌دهد، این حیات کاملی است که بعد از آن خسران و نابودی معنا ندارد و کسی که به آن برسد، گذر زمان و مکان در وی تاثیر

۱۱۲ - طباطبایی، محمدحسین، *تفسیر المیزان*، ج ۱۲، ص ۴۹۱.

۱۱۳ - پیشین، ص ۴۹۳.

۱۱۴ - طوسی، محمد بن حسن (۳۸۵-۴۶۰ق)، *تهذیب الاحکام*، ج ۵، ص ۱۸۳.

۱۱۵ - بقره: ۲۵۵ و آل عمران: ۲.

نخواهد کرد و اینجاست که می‌توان گفت ائمه اطهار علیهم السلام به این حیات طیبه رسیده‌اند و محو در ذات باریتعالی شده‌اند به طوری که گذشت سال‌ها بلکه قرن‌ها از زنده بودن نام و یاد آنها نخواهد کاست. آیا زنده بودن نام و یاد امام حسین علیه السلام را جز این تفسیر می‌کنید؟ آیا زنده بودن نام و یاد ائمه اطهار علیهم السلام و آنهایی که صادقانه در راه خدا به شهادت رسیدند و آیا اینکه بعد از گذشت چهارده قرن هنوز نام بلال حبشی، صهیب رومی، ابوذر غفاری، سلمان فارسی، اویس قرنی، مالک اشتر، ابوالفضل العباس، زینب کبری و ... بر تارک تاریخ می‌درخشند جز با محو شدن در ذات باریتعالی معنا می‌یابد؟

آیاتی در قرآن کریم وجود دارد که این تفسیر را تأیید می‌کند:

- وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ^{۱۱۶}.

- وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^{۱۱۷}.

این آیات در واقع مصداقی از عمل صالح را که جهاد در راه خداوند است برشمرده و می‌گوید مومنان شهید شده در راه خداوند به یک زندگانی در نزد خداوند واصل شده‌اند.

با در نظرگرفتن این معنی برای حیات طیبه، برخی از مصادیق آن که در برخی از روایات به آنها اشاره شده است هرکدام مراتب پایین‌تر این حیات الهی است و یا هریک بطنی از بطون قرآن را ارائه می‌دهد که در برخی از روایات بطون معانی قرآن تا هفتاد بطن شمرده شده‌اند.^{۱۱۸}

نتیجه اینکه منظور از «حیات طیبه» در قرآن «محو شدن در ذات باریتعالی» است

که به هر فرد مومن به تناسب ایمان و عمل صالحی که انجام می‌دهد مرتبه‌ای از آن اعطا می‌شود و مفهوم آیه شریفه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» چنین است:

۱۱۶ - بقره: ۱۵۴.

۱۱۷ - آل عمران: ۱۶۹.

۱۱۸ - ر.ک. جوادی آملی، عبدالله، قرآن در قرآن، ص ۳۷۳.

هر فرد باایمانی - اعم از مرد یا زن - که عمل صالحی انجام دهد، خداوند او را به حیات طیبی زنده می‌کند و او را محو در ذات خود می‌نماید و علاوه بر این، بهترین پاداش‌ها را به خاطر اعمالشان به آنها عطا می‌فرماید.

*اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد و مماتى
مما ت محمد و آل محمد و الحمد لله رب العالمین*

کتابشناسی؛

- قرآن کریم

- نهج البلاغه

- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۵۸۶-۶۵۵ق)، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.

- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۲۱۴-۱۲۸۱ق)؛ الرسائل؛ تحقیق: احمد الحسینی، قم، دارالقرآن، الطبعة الاولى، ۱۴۱۰ق

- جوادی آملی، عبدالله، قرآن در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ ۱)، قم، اسراء، چاپ سوم، ۱۳۸۱ش.

- حاجتی، محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ش.

- دیلمی، حسن بن محمد (قرن ۸ق)، ارشاد القلوب الى الصواب المنجی، [بی جا]، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ق.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (قرن ۴ق)، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، دمشق، دارالقلم، بیروت، دارالشامه، الطبع الاولى، ۱۴۱۲ق، ۱۹۹۲م.

- رجبی، محمود، روش شناسی تفسیر قرآن، مولفان: علی اکبر بابایی، غلامعلی عزیزی کیا و مجتبی روحانی راد، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ اول، ۷۹ش.

- سفیان بن سعید (م ۱۶۱ق)، تفسیر سفیان الثوری، تحقیق: لجنة من العلماء، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعة الاولى، ۱۴۰۳ق.

- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۰ش.

- طبرسی، فضل بن حسن (۴۶۸-۵۴۸ق)، مجمع البیان لعلوم القرآن، [طهران]، رابطه الثقافه و العلاقات الاسلامیه، مدیریه الترجمة و النشر، الطبعة الاولى، ۱۴۱۷ق، ۱۹۹۷م.

- طبری، محمد بن جریر (۲۲۴-۳۱۰ق)، جامع البیان عن تأویل الآی القرآن، ضبط: صدقی جمیل العطار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.

- طوسی، محمد بن حسن (۳۸۵-۴۶۰ق)، الامالی؛ قم، دارالثقافه، ۱۴۰۴ق.

- _____ ؛ **تهذيب الاحكام**، تحقيق: حسن الخراسان، تصحيح: محمد آخوندی، [تهران]، دارالکتب الاسلامیه، الطبعة الرابعة، ۱۳۶۵ش.
- عمیدزنجانی، عباسعلی، **مبانی و روش‌های تفسیر قرآن** (روش‌شناسی تفسیر قرآن)، [ویرایش ۴]، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ چهارم، ۱۳۷۹ش.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۰۰۶-۱۰۹۱ق)، **الأصفي فی تفسیر القرآن**، تحقیق: مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه، [بی‌جا]، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، الطبعة الاولى، ۱۴۱۸ق.
- قرطبی، محمد بن احمد (م ۶۷۱ق)، **الجامع لاحکام القرآن و المبین لما تضمن من السنة و آی الفرقان**، بیروت، موسسه التاريخ العربی، ۱۴۰۵ق.
- قمی، علی بن ابراهیم (قرن ۳ق)، **تفسیر القمی**، قم، موسسه دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۰۳۷-۱۱۱۱ق)، **بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار**، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- معرفت، محمدهادی، **تاریخ قرآن**، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ سوم، ۱۳۷۹ش.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، **پیام قرآن** (تفسیر نمونه موضوعی)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۷۷ش.
- _____ **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه،
- ج ۱، ویرایش دوم، چاپ سی و نهم، ۱۳۸۹ش.
 - ج ۵، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۷۹ش
 - ج ۷، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۱ش.
 - ج ۱۱، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۲ش.
 - ج ۱۸، چاپ دهم، ۱۳۷۲ش.
- ورام، مسعود بن ابی فراس بن حمدان (م ۶۰۵ق)، **نزهة النواظر وتنبيه الخواطر فی الترغيب و الترهيب و المواعظ و الزواجر (مجموعه ورام)**، قم، مکتبه الفقیه، [بی‌تا].